



و همه گام‌هایی عقلایی و قابل توصیه‌اند. و من خبر دارم که بانک مرکزی فعالانه در فکر امکانات دیگری نیز هست. این تدابیر وقتی دست به دست هم دهند، موجب

پدید آمدن چنان نوعی از نظام مالی در ایران خواهند شد که کارایی بیشتری خواهد داشت، زلال‌تر و شفاف‌تر خواهد بود، و لذا برای وارد شوندگان آتی و بالقوه این بازار، جذابیت و افرتری به حساب خواهد آمد.

آقای رییس، پیشرفت اقتصادی در هر کشور مفروض، تنها مسائله‌ای مربوط به منافع ملی آن کشور نیست. در جهان امروز که از جهات اقتصادی و مالی به طور فزاینده حالت ادغام شدگی دارد، پیشرفت اقتصادی هر کشور امری است که با منافع جمعی و بین‌المللی نیز مرتبط است. این گفته - چه در سطح اقتصاد کلان و چه در زمینه اقتصاد خرد که سطح کسب و کار و مؤسسات فردی است - صدق می‌کند. بدین سبب است که فکر می‌کنم اهمیت دارد که ما نیروهایی را که برای اصلاحات و آزادسازی می‌کوشند، از راه التزام و تعهد سازنده نسبت به آنها تشویق کنیم. ایران از طریق سومین برنامه توسعه پنجساله‌اش دست به یک برنامه اصلاحات و آزادسازی زده که در عین حال، به نحو واقع بینانه‌ای سنجیده است و اینک برای جلو بردن آن برنامه دارد از شرایط مساعدتر در اقتصاد جهانی بهره برداری می‌کند.

من برای شما، «رییس نوربخش» و برای مقامات ایرانی آرزو می‌کنم که تمام کامیابی‌های ممکن را در محقق کردن اهداف خویش، به نفع مردم ایران و به نفع همه ما به دست آورید.

سخنرانی دکتر محسن نوربخش، رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

بسیار مایه افتخار و مباهات من است که در این سمینار درباره دستاوردهای اقتصاد ایران ظرف چند ساله گذشته سخن بگویم و به طور خلاصه به شرح و بسط چارچوبی بپردازم که بخش نظام بانکداری در ایران در محدوده آن عمل می‌کند. در آغاز، مایلیم فرصت را مغتنم شمرده و صمیمانه به جناب آقای ادی جورج، رییس کل محترم و میهمانان ارجمند که لطف فرمودند و بخشی از وقت گرانبهای خود را برای شرکت در این سمینار اختصاص دادند، خوشامد بگویم. همچنین، مایلیم مراتب امتنان عمیق خویش را به موسسه تجارت و صنعت (DTI) و تجارت بین‌الملل بریتانیا (BTI) ابراز کنم که ظرف چند ماه گذشته سخت مشغول تدارک سمینارهای متوالی در ایران بودند.

در اینجا می‌خواهم درباره وضعیت اقتصاد ایران در گذشته و حال و نیز چشم‌انداز و دورنمای آن در آینده به

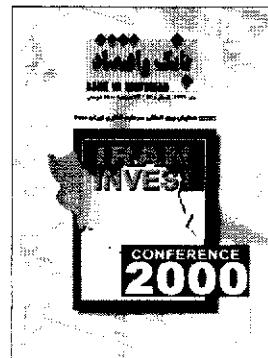
ایران در حال حاضر به سوی اتخاذ بهترین رویه‌های استاندارد که قابلیت پذیرش بین‌المللی داشته باشند، در تعدادی از عرصه‌ها تلاش می‌کند. بانک مرکزی ایران دست‌اندر کار ایجاد چارچوب جدیدی برای حسابداری بانکی است که معرف حرکت در جهت استانداردهای بین‌المللی حسابداری است و در همان حال، به ویژگی‌های مالی اسلامی نیز توجه دارد. مقامات ایرانی ضمناً مشغول ایجاد یک برنامه عملی برای اجرای اصلاحات نظارتی هستند. این تحولات باید برای کسانی که قصد سرمایه‌گذاری در ایران را دارند، خبرهای خوبی باشند. تحولات مذکور همچنین به تجسم این امر کمک می‌کنند که بهترین استانداردهای بین‌المللی در رابطه با رویه قادرند آن اندازه قابلیت انعطاف داشته باشند که برای مراعات شرایط خاص هر کشور مفروض کفایت کنند.

حرکت به طرف محیطی که بیشتر سمت و سوی بازاری دارد، چالش‌های تازه‌ای را به همراه می‌آورد. به عنوان مثال، آزادسازی از میان برنده کنترل‌های نرخ ارز و واگذار کردن تعیین این نرخ به نیروهای بازار، ریسک‌ها و فرصت‌ها - هر دو را - به همراه دارد. یک رویکرد متوالی در قبال آزادسازی حساب سرمایه به تعدیل و تخفیف این ریسک‌ها کمک می‌کند و این راهی است که ایران دنبال کرده است. ولی ذکر این نکته بدان معنا نیست که اصلاحات در این کشور به حال خود رها شده است.

از نیمه ۱۹۹۹ بانک مرکزی ایران گام‌های مهمی را در راه بهبود و ساده کردن بازار ارز خارجی برداشته که یکی از آنها این بوده که اجازه داده است تا نرخ ارز تا سطوح پایاپای بازاری مستهلک شود. در مارس ۲۰۰۰، التزام صادرکنندگان به اینکه ارزهای وصولی از محل صدور کالاهای غیرنفتی را به بانک مرکزی تسلیم کنند، لغو شد. حالا هم در نظر دارند که یک بازار ارز مستقیم بین بانکی به وجود آورند و تا مارس ۲۰۰۱ الزام پیش سپرده وارداتی را نیز حذف نمایند. اینها گام‌های تازه دیگری خواهند بود که قرار گرفتن کشور در معرض رقابت بین‌المللی را خواهند افزود و به نوبه خود خواهند توانست کارآتر شدن کشور در زمینه تولید را نیز افزایش دهند.

وحدت نرخ ارز و آزادسازی بخشی از تجارت و حذف کنترل‌های ارزی سبب خواهند شد که تقاضای اثرگذار شدن سیاست پولی نیز بیشتر شود. برای مثال، انبساط پولی امری است که می‌تواند از کاهش مرحله به مرحله نیازمندی‌های ذخیره‌ای بانک‌ها ناشی شود. برای بانک مرکزی مهم خواهد بود که ابزارهای پولی کارآمدی را پدید آورد تا تأثیر پولی این اصلاحات را به اصطلاح «استرلیزه» کند و حمایت بانک مرکزی از رویارویی با تورم را نیز از دست نهد. صدور سی دی (CD)ها (انتقال مانده حساب)، همراه با آزادسازی تخصیص اعتبار، همه

○ بانک مرکزی انگلستان، همراه با صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی - و تحت رهبری آنها - در یک تیم همیاری فنی برای تجدید ساختار بخش مالی در ایران مشارکت خواهد داشت و مأموریت این تیم با ایجاد چارچوب‌های نظارتی و مقرراتی برای بانک‌های ایران نیز ارتباط دارد.



اختصار مطالبی را به عرض برسانم.

موقعیت جغرافیایی

ایران با ۱/۶ میلیون کیلومتر مربع مساحت و ۶۱ میلیون نفر جمعیت از لحاظ سوق الجیشی در منطقه خاورمیانه واقع شده، اروپا را به خاور دور متصل می‌کند و کشورهای مستقل مشترک‌المنافع را به آب‌های آزاد در خلیج فارس پیوند می‌دهد. اندازه اقتصاد ایران بر حسب تولید ناخالص داخلی بالغ بر ۱۰۰ میلیارد دلار است، در حالی که میانگین سالانه برگشت ارز (خرید و فروش ارز) مبلغی در حدود ۴۰ میلیارد دلار می‌باشد. ایران با در اختیار داشتن ۱۰ درصد از ذخایر نفتی جهان، در رده چهارم و با برخورداری از ۱۶ درصد از ذخایر گاز جهان، در رده دوم قرار دارد. این کشور با بهره‌مندی از معادن عظیم مس، آهن، سرب و روی، علاوه بر موقعیت استراتژیک و نیز نیروی کار جوان و تحصیلکرده، هم برای مردم خود و هم برای بقیه جهان، آینده‌ای نویدبخش را در پیش رو دارد.

پیشینه

ابتدا باید در خصوص دستاوردها و عملکرد اقتصادی ظرف دو سال گذشته، تجزیه و تحلیلی مناسب از وضعیت دشوار مالی و اقتصادی به دست آورد، وضعیتی که پس از اواسط سال ۱۹۹۷ تمام جنبه‌های اقتصاد ایران را تحت تأثیر قرار داد. روند کندسازی اقتصاد جهانی و آشوب و اغتشاش بازار مالی جهانی در سال ۹۸-۱۹۹۷ که با کاهش شتابزده بهای نفت در عرصه جهانی همراه بود، صدماتی را به اقتصاد ایران وارد آورد و نقدینگی و موجودی سرمایه‌گذاری خارجی را کاهش داد.

مشکلات مالی مزبور که بیش از یک سال و نیم ادامه یافت، به همراه ضعف‌های ساختاری و رشد تدریجی و کند فعالیت اقتصادی، فشار بر روی تراز پرداخت‌ها و تنزل کیفیت بودجه دولت و کاهش سرمایه‌گذاری را به دنبال آورد و به ضعف‌های مالی منجر شد.

این مشکلات، اختلاف‌ها و نابرابری‌هایی را در بخش خارجی و نیز در متغیرهای اقتصاد کلان موجب شد و سخت‌گیری‌ها و ضعف‌های ساختاری را آشکار ساخت که در اقتصادی متکی بر منابع طبیعی متداول و معمول است.

با در نظر گرفتن بحران در آسیای جنوب شرقی، و کاهش نقدینگی و موجودی و تفاوت بیشتر میان قیمت رسمی و قیمت فعلی ارز و نیز تعهدات خارجی نظام بانکداری، دولت چاره‌ای نداشت جز آنکه سیاست پولی و مالی بسیار سختی را اتخاذ کند و مجموعه‌ای از اقدامات ساختاری، به ویژه در بازار ارز خارجی را به مورد اجرا گذارد. در نتیجه، دولت در مهار تورم و انبساط پولی و نیز قانونمند کردن پرداخت‌های خارجی به گونه‌ای موفق عمل کرد. با در نظر داشتن این مشکلات،

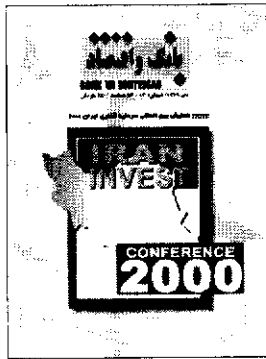
پیش‌نویس سیاست‌های مالی و پولی سال ۱۳۷۸ (۱۹۹۹/۲۰۰۰) در محیطی بسیار محافظه‌کارانه تهیه و نوشته شد و بودجه دولت نیز با فرضی مبتنی بر قیمت بسیار پایین نفت، یعنی چیزی در حدود ۱۲ دلار آمریکا در هر بشکه، به تصویب رسید. سیاست پولی نیز با هدف مهار و کنترل جنبه معوقه انبساط پولی مربوط به اواخر سال ۱۳۷۷ (۱۹۹۸/۹۹) که تورم‌زا نیز بود، تنظیم و تدوین می‌شد. علاوه بر این، بازار ارز خارجی با نیت حذف سخت‌گیری‌های بازار و فراهم آوردن امکان تعیین نرخ ارز برای نیروهای بازار از نو سازماندهی و بازسازی شد. سپس، اقدامات سیاسی اتخاذ شده در سال‌های ۱۹۹۹/۲۰۰۰، همراه با شرایط بهبود یافته بازار نفت از آغاز سال مالی ایران، یعنی در آوریل ۱۹۹۹ نتایج مثبتی را فراهم آورد.

وضعیت ذخایر بین‌المللی کشور با افزایشی در حدود ۱/۸ میلیارد دلار آمریکا در سال ۱۹۹۹/۲۰۰۰ دوباره تجدید شد. در این سال، تراز بازرگانی مربوط به تراز پرداخت‌ها مازادی در حدود ۶/۲ میلیارد دلار داشت. بدیهی است که مرور و بررسی ترازهای بازرگانی طی این سال‌ها، بی‌ثباتی و ناپایداری بازار نفت را نشان می‌دهد، همان بازاری که اقتصاد ما به آن متکی است.

میزان بدهی خارجی از مبلغ ۱۴ میلیارد دلار آمریکا در سال ۱۹۹۸/۹۹، به حدود ۱۰/۴ میلیارد دلار آمریکا در سال ۱۹۹۹/۲۰۰۰ کاهش یافت که این خود، افت شدیدی به مبلغ ۳/۶ میلیارد دلار آمریکا را نشان می‌دهد. بنابراین، بدهی ایران از ۲۲/۷۳۷ میلیارد دلار در سال‌های ۱۹۹۴/۹۵، به حدود ۱۰/۴ میلیارد دلار در سال‌های ۱۹۹۹/۲۰۰۰ کاهش یافته است. این میزان بدهی، کمتر از ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی ماست. چنین بدهی در این سطح با هر مقیاس و معیاری که سنجیده شود، مبلغی بسیار پایین است. اقتصاد ما با تمام توان و امکانات بالقوه خود سزوار آن است که برای نیل به رشدی که اهداف رشد در سومین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی اعلام می‌دارد، به سرمایه‌گذاری خارجی دسترسی داشته باشد.

عملکرد مالی در سال ۱۹۹۹/۲۰۰۰ به همان میزان عملکرد در بخش خارجی موفقیت‌آمیز بود. موفقیت اساسی و عمده در حوزه مالی عبارت بود از موازنه و تعادل به دست آمده بین درآمد و پرداخت‌های نقدی دولت، بدون آنکه با کسر بودجه مواجه شود یا بانک منابع مالی لازم را تأمین کند. همانطور که پیش از این ذکر شد، هدف سیاست پولی، مهار جنبه تورم‌زای انبساط پولی مربوط به اواخر سال ۱۹۹۸ و آغاز سال ۱۹۹۹ است. در حالی که هیچ بودجه‌ای، منابع مالی بنگاه‌ها و داد و ستدهای دولتی را تأمین نمی‌کند و اعتبار ناچیزی نیز برای این منظور تخصیص یافته، اعتبار بانک‌ها به بخش غیر دولتی عامل اصلی بسط و گسترش نقدینگی در سال

○ بررسی ترازهای بازرگانی در سال‌های گذشته، بی‌ثباتی و ناپایداری بازار نفت را نشان می‌دهد، همان بازاری که اقتصاد ما به آن متکی است.



با دو برنامه قبلی تفاوت دارد. این برنامه شامل دستور کاری جامع برای اصلاحات ساختاری در پنج سال آینده می‌شود و به نحوی شایسته پرداختن به مشکل بیکاری را از طریق سرمایه‌گذاری فزاینده بخش خصوصی هدف قرار می‌دهد. دغدغه اصلی این برنامه، فراهم آوردن تغییرات ساختاری و ایجاد فضایی است که تحقق اهداف کوتاه‌مدت و میان‌مدت را تسهیل می‌کند و در نتیجه، آن را تضمین می‌کند. ویژگی‌های اصلی برنامه سوم را می‌توان بدین شرح خلاصه کرد:

۱- رشد اشتغال: اولین چالشی که بی‌واسطه در مقابل اقتصاد قرار می‌گیرد، مشکل بیکاری است. کشور به علت نرخ بالای رشد جمعیت ظرف دهه‌های گذشته، اینک با هجوم فارغ‌التحصیلان جوان دانشگاه روبروست که وارد بازار کار می‌شوند. این ضرورت، توسعه فعالیت‌های اقتصادی را ایجاب می‌کند. بی‌تردید، نمی‌توان در جهتی مطلوب به این هدف نایل شد مگر آنکه بخش خصوصی ترغیب شود تا نقش فعالتری را ایفا کند و سرمایه‌گذاری دراز مدتی را به اجرا درآورد که می‌تواند با سرمایه‌گذاری دولتی آن را تکمیل کند.

۲- تجارت خارجی: صادرات غیر نفتی هنوز هم بخشی جزئی از درآمدهای ارز خارجی ایران را تشکیل می‌دهد. با در نظر گرفتن تصویر ساده‌لوحانه از عملکرد صادرات غیر نفتی ایران، برنامه سوم توسعه برخی اقدامات سیاسی تعدیلی را آغاز کرده است که در طی این برنامه اجرا شود.

این موضوع به تحقیق دریافت شده است که چنانچه قرار باشد در آینده شاهد تغییرات ساختاری در بخش خارجی اقتصاد باشیم، اجرای اصلاحاتی در نظام ارز خارجی که بر سیاست متناسب مالی و پولی فایز آید، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. ریزش و جریان ناکافی سرمایه‌گذاری خارجی نه تنها از سرعت آهنگ توسعه در کشور می‌کاهد، بلکه همچنین فاصله و اختلاف بوجود آمده در حوزه تکنولوژی را عریض‌تر می‌کند و از ایزنو، موجب بروز نقص در بازار سرمایه می‌شود. در این زمینه ایران می‌پندارد که روابط تجاری و اقتصادی بهبود یافته با بقیه کشورهای جهان بر اساس قوانینی که مورد احترام دو طرف می‌باشد، منافع دو جانبه را برای همه تضمین می‌کند. البته آن دسته از شرکای تجاری که قصد دارند بیشتر پذیرای اقتصاد ایران باشند و آن را یاری کنند، دورنمای تجاری بهتری را در ایران خواهند داشت. چنین نگرش خوش‌بینانه‌ای در قبال ایران در نهایت موجبات اعتمادسازی برای همکاری بیشتر در عرصه جهانی را فراهم خواهد آورد. برنامه سوم به عنوان گامی عملی، آزادسازی و رفع محدودیت از واردات مواد خام را پیش‌بینی کرده است و به ویژه هنگامی این نقش آشکارتر می‌شود که فعالیت‌های صادراتی مطرح باشد. این دسته از

۱۹۹۹ بود که بر حسب شرایط پول رایج کشور، رشدی معادل ۲۰/۱ درصد داشت. یک دلیل روشن برای بسط اعتبار بانک‌ها، فسخ و ابطال حداکثر سقف مجاز تسهیلات بانک‌ها به بخش خصوصی بود. حداکثر سقف مجاز مربوط به تسهیلات اعطایی بانک‌ها به بخش خصوصی که به عنوان ابزاری دقیق برای سیاست پولی تا دهه‌هایی چند در ایران رایج بود، از سال ۱۹۹۸ حذف و کنار گذاشته شد.

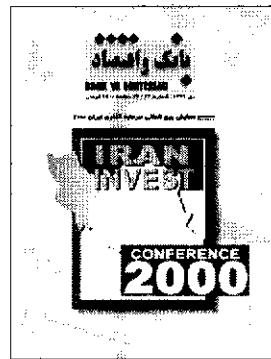
با وجود اقدامات یاد شده در زمینه سیاسی که در جریان بود و نیز نرخ‌های تثبیت شده نفت در سطح بین‌المللی، اقتصاد ایران در سال گذشته از رشدی معادل ۳/۲ درصد برخوردار بود. تورم نیز در حدود ۲۰/۱ درصد بود، یعنی بیشتر از سال گذشته، اما خیلی پایین‌تر از آنچه در ابتدا انتظار می‌رفت. میزان رشد سرمایه‌گذاری هم در حدود ۸/۲ درصد بود که این نیز عمدتاً به دلیل فعالیت‌های فزاینده ساخت و فضای بهبود یافته سرمایه‌گذاری در اقتصاد بود. در مجموع، در سال ۱۹۹۹ اقتصاد ایران تثبیت شد و وضعیت کاهش ذخایر بین‌المللی و نرخ رشد کاهنده و فعالیت‌های اندک سرمایه‌گذاری دگرگون شد و تا پیش از پایان سال ۱۹۹۹/۲۰۰۰ کاملاً جبران شدند. ما تحت چنین شرایطی برنامه سوم خود را آغاز کردیم.

سومین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی

ایران بعد از آنکه اجرای دو برنامه پنج ساله قبلی را تجربه کرد، برنامه سوم خود را طرح‌ریزی نمود. در برنامه سوم که اجرای آن درست شش ماه پیش آغاز شد، تلاش‌هایی صورت گرفته است تا خط مشی‌های سیاسی آنچنان باشند که اقتصاد کشور را در مسیر درست بر پا دارند، به گونه‌ای که مدیریت اقتصاد در سطح ملی بتواند چالش‌های قرن بیست و یکم را کنترل کند و از عهده آنها برآید. تجربه کشورهای در حال توسعه ظرف دهه‌های گذشته حاکی از آن است که در محیط و حال و فضایی از اقتصاد جهانی که به سرعت در حال دگرگونی است، هیچ کشوری نمی‌تواند یقین حاصل کند که به اهداف سیاسی خویش نایل می‌شود، مگر اینکه به واقعیات جهان در حال تغییر توجه وافعی مبذول دارد. هنر همزیستی مسالمت‌آمیز با دنیای رقابت‌جویی که در حال دگرگونی است، در حقیقت، یک چالش و زورآزمایی است، زیرا این امر یک طرح چند ماده‌ای جامع سیاسی را ایجاب می‌کند تا به موضوعاتی مانند بیکاری، توزیع عادلانه درآمد و فشار تورم بپردازد که احتمالاً در دوره انتقال به طور ناگهانی بروز می‌نماید. برنامه سوم با چنین نگرشی به وقایع و با چنان امید و آرزوها در حالتی شکل گرفت تا اقتصاد را از ماهیت قدیمی و سستی خود به ماهیتی مدرن در عرصه‌های جهان رقابتی تغییر شکل دهد.

برنامه سوم در این موضوعات به طور قطع به نحوی

○ دکتر نوربخش:
بدهی‌های کشور کمتر
از ۱۰ درصد تولید
ناخالص داخلی است.



کالاها از حقوق گمرکی واردات معاف خواهند شد. معافیت صادرات غیر نفتی از مالیات و حقوق گمرکی در داخل کشور، انگیزه و محرک دیگری است برای صادرات که در برنامه مذکور پیش‌بینی شده است. این برنامه آشکارا و به صراحت روشن ساخته است که تحت هیچ شرایطی، صادرات محصولات و فرآورده‌های غیر پارانه‌ای تولید داخل کشور به بهانه تثبیت بازار داخلی ممنوع نخواهد شد. بدین ترتیب، پیش‌بینی می‌شود که سهم صادرات غیر نفتی از ۲۳ درصد در سال ۱۹۹۹/۲۰۰۰، به میزان کمی کمتر از ۴۰ درصد در سال ۲۰۰۴/۲۰۰۵ افزایش یابد. حذف موانع غیر گمرکی و تعرفه‌بندی آنها، اقدام سیاسی تعدیلی دیگری است که باید در جریان برنامه پنج ساله اجرا شود. با این شرط، انتظار می‌رود که بازار داخلی پذیراتر، رقابتی‌تر و شفاف‌تر شود.

۳- سرمایه‌گذاری داخلی: به منظور ترغیب سرمایه‌گذاری خصوصی در اقتصاد داخلی، این برنامه برخی پیش‌بینی‌های حیاتی و سرنوشت‌ساز را تدارک دیده است تا موانع مشکل‌آفرین بر سر راه رشد بخش خصوصی در اقتصاد را حذف کند و از میان بردارد. شما می‌توانید سهم تولید ناخالص داخلی از سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی را در طول مدت زمان این برنامه در آمارهای منتشره مشاهده کنید. این آمارها به وضوح هدف برنامه مذکور را در افزایش سهم بخش‌های خصوصی برای سرمایه‌گذاری نشان می‌دهند. قوانین حاکم بر ریزش و هجوم سرمایه‌گذاری خارجی بایستی با هدف فراهم آوردن انگیزه‌های بیشتر برای سرمایه‌گذاری خارجی بررسی و ارزیابی شود. وانگهی، این برنامه پیش‌بینی کرده است که قوانین پارلمانی باید بیش از این مشروعیت مالکیت خصوصی و سودهای متعلق به آن را تضمین کنند. بر طبق طرحی که در حال حاضر در مجلس به بحث گذاشته شده، اصلاحات و پیشرفت‌هایی که در این برنامه پیش‌بینی شده، هم اکنون نیز محقق می‌شود و عینیت می‌یابد. به طور کلی، این برنامه سهم بیشتری را به سرمایه‌گذاری خصوصی اختصاص داده است.

۴- خصوصی‌سازی: برنامه سوم به طور جدی واگذاری آن دسته از بنگاه‌ها و مشاغل و حرفی را به بخش خصوصی آغاز کرده است که نقش آرام و یکنواخت اقتصاد را تسهیل می‌کنند و ذخایر جدید و نیز استخلاص استعدادها و امکانات بالقوه در حیطه مدیریت برای سایر کارکردها و نقش‌های نظارتی و حکومتی شدیداً مورد نیاز را برای دولت ذخیره می‌کنند. کاهش سرمایه و سرمایه‌برداری از بنگاه‌ها و شرکت‌های دولتی، یکی از شیوه‌ها و رویکردهای سیاست محوری و اساسی در برنامه سوم است. برنامه مذکور در این خصوص تأسیس و راه‌اندازی سازمانی را به نام «سازمان خصوصی‌سازی بنگاه‌های تحت مالکیت دولت» پیشنهاد کرده است تا این

○ دکتر نوربخش:
صادرات محصولات و فرآورده‌های غیر پارانه‌ای تولید شده در داخل کشور، تحت هر گونه شرایطی، ممنوع نخواهد شد.

وظیفه و مأموریت بسیار حساس و خطیر را به عهده بگیرد. بر اساس پیش‌بینی این برنامه، تمام نهادهای تحت مالکیت دولت که سودآور نیز هستند و آن بنگاه‌هایی که بیش از ۵۰ درصد سهام متعلق به دولت را در اختیار دارند، در معرض قانون خصوصی‌سازی قرار می‌گیرند. بر طبق مفاد دیگر این برنامه، برای نخستین بار پس از انقلاب اسلامی، تأسیس و شروع به کار بانک‌های خصوصی و نهادهای مالی غیر بانکی مجاز شمرده شده است. نهادهای مالی غیر بانکی همین حالا هم راه‌اندازی شده‌اند و مشغول فعالیت هستند. در حال حاضر، ما سخت مشغول آماده‌سازی قوانین و آیین‌نامه‌هایی هستیم که بر نحوه فعالیت و عملکرد بانک‌های خصوصی نظارت داشته باشند و امیدواریم که اولین بانک خصوصی در بهار آینده فعالیت خود را آغاز کند. بر طبق آیین‌نامه‌ها و قوانینی که اخیراً به تصویب رسیده، عملکرد بانک‌های خارجی در یکی از سه منطقه آزاد تجاری ایران جایز شمرده می‌شود.

۵- آیین‌نامه انحصار و بهبود و ارتقای سطح رقابت: این برنامه، اقداماتی را به مفهوم اصلاح ساختاری در اقتصاد در نظر گرفته است مانند آنچه در پی می‌آید:

الف- مرور و تجدید نظر در قوانین و آیین‌نامه‌های موجود قدرت انحصاری به منظور حذف آنها.

ب- فسخ تمام قوانین و آیین‌نامه‌هایی که طبق آن، تنها کالاها و خدمات انحصاری مجاز حق دارند مدخل ورودی جدید به بازارهای خالص را محدود سازند.

پ- اقدامات حمایتی و پشتیبانی باید دارای محدوده زمانی و ضرب‌الاجل باشند و به واسطه ارایه و عرضه تعرفه‌ها و نرخ عوارض گمرکی و نیز نرخ تعرفه‌ها و درصدهای ترجیحی (حقوق و عوارض گمرکی) است که تنها برای صنایع انتخابی در مناطق گزینشی در نظر گرفته می‌شوند.

ت - دولت به طور جدی و قاطعانه از این گونه سیاست‌های اقتصادی دوری و پرهیز می‌کند تا راه هر گونه رانت‌خواری را سد کند. به علاوه، سلطه و چیرگی انحصاری و دیرینه دولت بر تولید و واردات و صادرات دخانیات در طی این برنامه خاتمه خواهد یافت. بر اساس ماده دیگری از این برنامه، به بخش خصوصی اجازه داده می‌شود تا فعالیت‌هایی در زمینه احداث جاده، راه‌آهن، مخابرات، خدمات پستی و خدمات رفاهی را با استفاده از تسهیلات با دوام به عهده بگیرد. قوانین و آیین‌نامه‌های حاکم بر عملکرد بنگاه‌ها و شرکت‌های خصوصی نیز باید تا جایی پیش برود که نحوه عملکرد بنگاه‌های فعلی تحت مالکیت دولت را نیز شامل شود. به عبارت دیگر، تا آنجا که به کاربرد قوانین و آیین‌نامه‌ها مربوط می‌شود، با بنگاه‌های دولتی و خصوصی هر دو باید به طور یکسان رفتار شود.



دیگر، از یک سو، سیاست‌هایی اتخاذ شده تا درآمد حاصل از صادرات غیر نفتی را افزایش دهد و از سوی دیگر، به منظور کاهش اثر ضربات و صدمات ناشی از بازار بی ثبات نفت، حساب پس‌انداز ویژه‌ای به نام «صندوق تثبیت نرخ نفت» در بودجه سال آینده آماده خواهد شد تا درآمدهای حاصل از آن را که از سطح پیش‌بینی شده برای مدت زمان این برنامه فراتر می‌رود، ضبط و جمع‌آوری کند. از منابع این صندوق هم هنگامی استفاده خواهد شد که ضربه و صدمه بی‌سابقه در بازار نفت، ثبات اقتصاد داخل کشور را به مخاطره اندازد و آن را تهدید کند. از اینرو، صندوق تثبیت نرخ نفت دارای نقشی دوگانه خواهد بود. این صندوق موجبات ثبات بازار ارز خارجی را فراهم می‌آورد و از اختلاف‌ها و ناهمبازی‌های سخت و توانفرسا در بودجه دولت نیز پیشگیری می‌کند و زمانی که نرخ نفت در بازار پایین است، به نحوی کارآمد و مؤثر به تثبیت نظام پولی کمک رساند. ما اطمینان داریم که با اتخاذ چنین سیاست‌های معقول و سالمی در بخش اقتصاد کلان در آینده، اقتصادی با ثبات و انعطاف‌پذیر و سازگار در ایران ریشه خواهد دوآید.

نظری اجمالی بر شاخص‌های اقتصادی در برنامه سوم توسعه

این برنامه، نرخ ۶ درصدی را به عنوان حد نهایت رشد برای تولید ناخالص داخلی تعیین می‌کند تا در طول مدت زمان این برنامه رشد یابد. در حقیقت، این کمترین حد نرخ رشد است که برای کنترل و مهار روند رو به رشد بیکاری در ظرف زمان اجرای این برنامه مورد نیاز است. برای تحقق بخشیدن به این نرخ رشد که مورد نظر و هدف ماست، ابزارهای سیاسی لازم پیش‌بینی شده در برنامه مذکور باید به کار گرفته شوند و میزان قابل ملاحظه‌ای از منابع نیز باید در اقتصاد بسیج و تجهیز شود. طبق ارزیابی‌ها و برآوردهای این مدل، مجموع سرمایه‌گذاری باید سالانه تا ۷/۱ درصد رشد داشته باشد، به گونه‌ای که نرخ رشد ۶ درصدی تولید ناخالص داخلی را بتوان تضمین کرد. این مورد به طور ضمنی بیان می‌دارد که مقدار عظیمی از سرمایه‌گذاری باید امکان‌پذیر و عملی شود و برنامه سوم در این خصوص روی بخش خصوصی (هم داخلی و هم خارجی) حساب باز کرده است تا در این زمینه نقش عمده‌ای را ایفا کنند. تخمین زده می‌شود که سرمایه‌گذاری‌های خصوصی تا نرخ معادل ۸/۵ درصد رشد داشته باشند، در حالی که نرخ رشد بخش دولتی سالانه ۵ درصد است. همچنین، برآورد می‌شود که واردات، به عنوان عامل سازنده رشد، در طول زمان این برنامه به ۱۱۲/۴ میلیارد دلار بالغ شود. بر اساس برخی فرض‌ها درباره درون‌رهای درآمد نفتی، انتظار می‌رود که

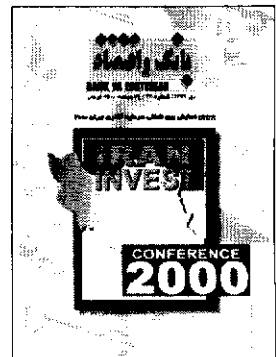
۶- تمرکززدایی: این برنامه در نظر گرفته است که اختیارات اجرایی مشخصی از دولت مرکزی به مقامات محلی تفویض و واگذار شود. این ماده، این امکان را در اختیار دولت قرار می‌دهد تا نهادهای موازی را حذف کند و در نتیجه، اندازه دستگاه دولت و نیز بوروکراسی را کاهش دهد.

۷- ترمیم و احیای اعتبار گذشته بازارهای مالی: وجود یک بازار مالی که خوب توسعه یافته باشد، به بهترین شکل ممکن پاسخگوی تخصیص منابع مالی در اقتصاد است. برنامه سوم توسعه برخی از نکات مهم را برای رشد و توسعه بازارهای مالی در نظر گرفته است: شرکت‌های بیمه، صندوق‌های بازنشستگی، بازار بورس اوراق بهادار تهران و بانک‌های خصوصی شده که بایستی نقش کلیدی و مهمی را در توسعه بازار مالی، آن هم بر مبنای رقابت ایفا کنند.

۸- سیاست تثبیت اقتصاد کلان: شاید این بالاترین و مهم‌ترین پیش‌نیاز و شرط لازم برای اقتصاد باشد که برای مشارکت بیشتر بخش خصوصی در فرآیند توسعه ضروری است. برنامه سوم به این موضوع بسیار اهمیت داده است و ماده‌ها و بندهای مشخصی را در این برنامه پیش‌بینی کرده تا در جریان اجرای برنامه مذکور به مرحله عمل درآیند. در خلال مدت زمان این برنامه، تضاد و

تقابل بین سیاست پولی و سیاست مالی مشاهده خواهد شد، به شیوه‌ای که هر یک پاسخگوی تصمیمات و وظایف خاص خود خواهند بود. ویژگی مهم دیگر سومین برنامه توسعه، هدف قرار دادن تورم و افزایش بی‌رویه قیمت‌هاست. در این برنامه، مفادی پیش‌بینی می‌شود تا مسوولان پولی را قادر سازد که در محدوده تعیین شده در برنامه، نرخ تورم را مهار و کنترل کنند و آنها فقط مسوول اجرای آن خواهند بود. تأمین منابع مالی بودجه، جنبه مهم دیگری از برنامه سوم است. سیاست مالی در برنامه سوم به گونه‌ای طرح‌ریزی می‌شود تا از کسر بودجه اجتناب شود. اصلاحات و ترمیم نظام مالیاتی و نیز گسترش منابع مالیاتی، به عنوان سرچشمه نویدبخش هزینه‌ها و مخارج دولت در نظر گرفته می‌شوند. یکسان کردن نرخ‌های بهره برای اعتبارات بانکی که به بخش‌های مختلف اقتصاد تخصیص یافته، اقدامی مهم و قابل توجه است که برای برقراری ثبات و جلوگیری از امتیازات ویژه در اقتصاد اتخاذ شده است. پشتیبانی و حمایت از هر بخش خاص از اقتصاد تنها از طریق اندوخته‌های بودجه‌ای میسر خواهد شد. از آنجایی که اقتصاد ایران بیش از حد لزوم به صادرات نفت متکی است، لذا همواره از نوسانات قیمت نفت آسیب‌دیده است. بنابراین، به منظور کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد، یک استراتژی دو سویه به کار گرفته شده است. به عبارت

○ برنامه سوم توسعه در زمینه سرمایه‌گذاری، روی بخش خصوصی داخلی و خارجی حساب کرده است.



ارز خارجی مورد نیاز برای اهداف برنامه مذکور از این طریق تأمین شود. طبق همین فرض، درآمد حاصل از صادرات نفت خام و محصولات و فرآورده‌های نفتی نیز به ۶۴/۱ میلیارد دلار خواهد رسید. تخمین زده می‌شود که صادرات غیر نفتی و صادرات کالاها و خدمات به ترتیب مبلغی در حدود ۳۴/۸ میلیارد دلار و ۶/۷ میلیارد دلار در مدت زمان اجرای این برنامه باشد. هم‌چنین، پیش‌بینی می‌شود که منابع اضافی ارز خارجی که بالغ بر ۶/۸ میلیارد دلار است نیز از منابع خارجی به دست آید که برای طرح‌ها و پروژه‌های فوری و ضروری پیش‌بینی شده‌اند.

علاوه بر این، برآورد می‌شود که درآمد کلی دولت ظرف مدت زمان اجرای این برنامه به طور میانگین ۱۹/۵ درصد رشد داشته باشد. ۴۷ درصد از مجموع این درآمد از محل درآمد نفت، ۳۲ درصد از محل درآمد مالیاتی و سهم باقیمانده ۲۱ درصد نیز از سایر منابع درآمد تأمین خواهد شد. تعدیل و اصلاح مالیاتی که در این برنامه مطرح شده، امکان بیشتری را در اختیار دولت قرار می‌دهد تا منابع مالیاتی جدیدی را بیاید و در نتیجه، بدون آنکه نرخ مالیات را افزایش دهد، درآمد مالیاتی خود را بالا ببرد، با این فرض که در طول مدت زمان اجرای این برنامه، سهم تولید ناخالص داخلی از درآمد مالیاتی ثابت و بدون تغییر می‌ماند. ضمناً این احتمال به طور جدی وجود دارد که سیاست‌های مالیاتی مانند حذف معافیت‌های مالیاتی، ارایه و عرضه مالیات بر ارزش افزوده و بهبود نظام مالیاتی، همانطور که در این برنامه در نظر گرفته شده، رشد درآمدهای مالیاتی دولت را تضمین کند.

به علاوه، پیش‌بینی می‌شود که هزینه‌ها و مخارج دولت در ظرف مدت اجرای این برنامه، سالانه تا ۱۹/۸ درصد رشت داشته باشد. ۷۳/۵ درصد از مجموع هزینه‌ها به هزینه‌ها و مخارج جاری اختصاص خواهد یافت و مابقی ۲۶/۵ درصد سهم مخارج و هزینه‌های توسعه‌ای خواهد بود. همانگونه که در برنامه سوم پیش‌بینی شده، این سیاست پولی طرح‌ریزی می‌شود تا سیاست مالی را که وصف آن در بالا رفت، تکمیل کند. مهار تورم، هدف اصلی برنامه مذکور بوده است تا حدی که در طول مدت اجرای این برنامه، نرخ تورم باید به تدریج کاهش یابد. نرخ میانگین تورم که برای مدت زمان اجرای این برنامه در نظر گرفته شده، معادل ۱۵/۹ درصد است. این نرخ نهایی در مقایسه با نرخ ۲۶/۵ درصدی تورم که ظرف پنج سال گذشته تجربه شد، هم و غم و نگرانی‌های سیاسی دولت را نشان می‌دهد که در جهت تثبیت و استقرار ثبات اقتصادی در سطح کلان درون نظام اقتصادی است.

مزایای نسبی و فرصت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

ایران از مزایای نسبی در سه حوزه مهم برخوردار است و آن حوزه‌ها عبارتند از: قیمت تمام شده انرژی، هزینه نیروی کار و موقعیت ژئوپلیتیکی. اقتصاد ما در این زمینه، برای سرمایه‌گذاری در مناطقی که مستقیماً به فعالیت‌هایی بر مبنای نفت مرتبط می‌شوند (به ویژه در فعالیت‌های پایین‌دستی) سود و بهره بیشتری را نوید می‌دهد. سرمایه‌گذاری در صنایع متمرکز انرژی هم فرصت دیگری است که توان و نفوذ رقابتی‌تر و سود و منفعت بیشتری را تأمین می‌کند.

قابلیت استفاده از نیروی کار با هزینه نسبی کمتر نیز عاملی بسیار مهم در تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری است. ایران در این زمینه دارای بازاری بسیار بزرگ از نیروی کار است که هنوز مورد بهره‌برداری قرار نگرفته و حای سطوح مختلفی از تخصص‌ها و مهارت‌هاست. نرخ پایین دستمزد در ایران، سرمایه‌گذاری خارجی را سودآورتر و پرمفعت‌تر می‌سازد. هرم نفوس و جمعیت در ایران نشان می‌دهد که در آینده، ذخیره نیروی کار با آهنگی پرشتابتر افزایش خواهد یافت و در نتیجه، انتظار نمی‌رود که نرخ واقعی دستمزد در آینده فشار جدیدی را در جهت روند صعودی تجربه کند. از اینرو، اقتصاد ما در داخل کشور نسبتاً فرصت‌های نویدبخش بیشتری را برای سرمایه‌گذاری خارجی در منطقه فراهم خواهد آورد.

موقعیت ژئوپلیتیکی منحصر به فرد ایران در این منطقه هم امتیازهای نسبی را به اقتصاد در حوزه تجارت بین‌الملل کالاها و خدمات بخشیده است. ایران در چهارراه شبکه حمل و نقل جهانی واقع شده است. ایران به عنوان دروازه‌ای شناخته شده که آسیا را به اروپا و نیز کشورهای آسیای میانه را به آبراه‌های بین‌المللی پیوند می‌دهد. این کشور به عنوان مسیری طلایی شناخته شده که منابع نیرو و انرژی را از دریای خزر به بازار جهانی مستقل می‌کند و منابع و ذخایر انرژی و نیرو را از کشورهای آسیای مرکزی به اروپا می‌فرستد.

در اینجا لازم است بار دیگر تکرار کنم که محتوا و مفهوم اصلی برنامه سوم، تلاش برای اصلاحات ساختاری در اقتصاد است. آن هم با استفاده از رویکردی که برون‌گرا به نظر می‌رسد. در این زمینه، توجه اصلی این برنامه به سوی کاهش سلطه و نفوذ مستقیم دولت بر اقتصاد معطوف بوده است، آن هم به شیوه‌ای که نیروهای بازار بر مسیر فعالیت‌های اقتصادی بر مبنای رقابتی در عرصه جهانی تأثیر به مراتب بیشتری خواهند داشت. هم‌چنین، قرار است که مواد قانونی پیش‌بینی شده در این برنامه، به جریان افتادن سرمایه خارجی را تسهیل کند. سیاست معقول، سالم و ماهرانه اقتصاد کلان که در برنامه سوم آغاز شد، محیطی از لحاظ اقتصادی با ثبات را برای سرمایه‌گذاران خصوصی فراهم خواهد آورد تا در حوزه‌ای

○ برآورد شده است که در طول برنامه سوم توسعه، درآمدهای دولت ۱۹/۵ درصد و هزینه‌های آن ۱۹/۸ درصد رشد خواهد داشت.

○ ایران دارای بازاری بسیار بزرگ از نیروی کار است که هنوز مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است.



نشان می‌دهد. به طور کلی، تحولات بوجود آمده در بخش ارزی ظرف سه ماهه نخست سال جاری تحت سلطه صادرات نفتی بیشتر از میزان مورد پیش‌بینی، تقاضای نسبتاً ضعیف برای واردات و جریان تجدید شده تأمین سرمایه و منابع مالی خارجی قرار داشت.

اطلاعات و داده‌های اولیه نشان می‌دهد که وضعیت زیربنایی و اساسی بودجه دولت در سه ماهه نخست سال همانطور که در آغاز برآورد شده بود، نامعلوم و پا در هوا بود، لیکن مخارج و درآمد بودجه به دلیل عایدی‌ها و دریافتی‌های پایین‌تر از میزان برآورد شده از محل فروش ارز خارجی و عدم اجرای سایر درآمدهای غیر مالیاتی، عملکرد ضعیف‌تری را نشان دادند. در حوزه پولی، از مارس ۲۰۰۰ بانک مرکزی به سیاست محدودکننده پولی خود منطبق با استراتژی مدیریت مدیرانه و طرح‌ریزی شده تقاضا همچنان ادامه داده است.

طی سال ۱۹۹۹/۲۰۰۰ در بخش مالی نیز اصلاحات مهمی روی داده و توانایی‌ها و امکانات نظارتی بانک مرکزی به مقدار قابل توجهی تقویت شده است، از جمله به واسطه نظارت تقویت شده بر عملیات بانک‌ها. کمیته‌هایی متشکل از بازرسانی از بانک‌ها و ناظرانی از بانک مرکزی تشکیل شده‌اند تا مشکل وام‌ها و دارایی‌های به کار نیفتاده بانک‌ها را بررسی و ارزیابی کنند. یک کد

جدید حسابداری هم برای نظام بانکداری پیاده شد که مسوولان و کارشناسان بخش نظارت را در امر نظارت بهتر بر وضعیت بخش بانکداری یاری خواهد رساند. با توجه به وضعیت پایدار کشور در خارج در سال ۱۹۹۹/۲۰۰۰، بسیاری از بانک‌ها از عملکرد قوی بخش خارجی و نیز کاهش ارزش برابری پول در سه ماهه اول و دوم سال ۱۹۹۹ بهره‌مند شدند. بنابراین، بانک‌ها مجبورند وضعیت دارایی‌های خالص خارجی خود را تقویت کنند و نقدینگی و توانایی بازپرداخت بدهی‌های مالی خود را بهبود بخشند. علاوه بر این، کمیته ویژه‌ای بر اصلاح و بهبود شاخص‌های توانایی بازپرداخت بدهی‌ها و کیفیت موجودی اسناد و اوراق بهادار بانک‌ها نظارت خواهد داشت، از جمله تنظیم و تدوین طرحی ضربتی برای تضمین متابعت روزافزون از اصول اصلی کمیته بال برای نظارت مؤثر و کارآمد بانک.

در سه ماهه نخست سال ۱۳۷۹، سیاست تعیین نرخ ارز متوجه حفظ نرخ مبادله اسمی نسبتاً باثبات شد و برای رفع محدودیت از کنترل و نظارت‌های ارزی نیز گام‌های عمده‌ای برداشته شد. همچنین، به بانک‌ها این اختیار داده می‌شود تا برای اهداف وارداتی تسهیلاتی را گسترش دهند.

ترجمه: اعظم ورشوچی فرد

جدید از سرمایه‌گذاری در ایران سرمایه‌گذاری کنند. واگذاری بنگاه‌ها و شرکت‌های تحت مالکیت دولت به بخش خصوصی، فی‌نفسه فرصت‌های فراوان و کافی را در اختیار سرمایه‌گذاران خارجی قرار می‌دهد. رفع محدودیت و آزادسازی اقتصادی در جریان اجرای برنامه، مورد دیگری است از اقدام سیاسی برای ثبات و انسجام که باز بودن اقتصاد ایران را به روی بقیه جهان بیشتر تضمین می‌کند. با وجود چنین فضای بازی است که ما فکر می‌کنیم که شرکت‌های خارجی برای سرمایه‌گذاری مشترک با همتهای ایرانی خود، فرصت پرسود و منفعتی را به دست خواهند آورد.

تحولات اخیر

برآورد‌های مقدماتی حاکی از آن است که میزان حقیقی تولید ناخالص داخلی در سال جاری در ایران (۲۰۰۰/۰۱) در مقایسه با آنچه در آغاز پیش‌بینی شده بود، از نرخ رشد بالاتری برخوردار خواهد بود، آن هم به علت عملکرد به مراتب شایسته‌تر بخش‌های نفت و تولید. این رشد همچنین تا حد زیادی استمرار سیاست بسط و توسعه و نیز تأثیرات معوقه ناشی از آن را در طی سال ۱۹۹۹/۲۰۰۰ منعکس می‌کند. درآمد حاصل از نفت در چهار ماهه نخست سال ۱۳۷۹ (۱۹۹۹/۲۰۰۰) در مقایسه با مدت مشابه در سال ۱۳۷۸ (۱۹۹۹/۲۰۰۰) به میزان ۶۰ درصد بیشتر بود. به طور کلی، نشانه‌های بارزی وجود دارد دال بر اینکه در بخش‌های نفت، تولید و ساخت بهبودی حاصل شده است. برآورد و پیش‌بینی رشد تولید ناخالص داخلی برای سال جاری نیز در حدود ۴ درصد است.

روند رو به کاهش شاخص قیمت مصرفی (CPI) ظرف سه ماهه نخست سال ۱۳۷۹ همچنان ادامه داشته است. با توجه به قیمت‌های رو به رشد نفت در عرصه جهانی و نیز سطح غنی ذخایر بین‌المللی، پیش‌بینی‌ها و توقعات ما از تورم، به راستی تعدیل شده است. در حالی که تصدیق می‌نماییم که تورم در نهایت، هدفی دست‌یافتنی برای سال ۱۳۷۹ (۱۹۹۹/۲۰۰۰) باقی می‌ماند، نگرش مطرح این است که برای تسهیل در امر سیاست‌های مالی و پولی اولیه فرصت و مجال اندکی وجود دارد.

به علاوه، پیش‌بینی می‌شود که حساب اندوخته ارزی، مازادی در حدود ۲/۷ میلیارد دلار آمریکا را در سه ماهه نخست سال ۱۳۷۹ نشان داده باشد. در سه ماهه نخست سال بازپرداخت‌های بدهی در سطح پایین‌تر در مقایسه با سال گذشته بر تحولات به وجود آمده در حساب سرمایه غالب بود. اندوخته‌های خالص بین‌المللی بانک مرکزی به طور چشمگیری افزایش یافته است و در مقایسه با مازاد حساب جاری مورد نظر، میزانی بالاتر را

○ دکتر نوربخش:
توانایی‌ها و امکانات
نظارتی بانک مرکزی به
مقدار قابل توجهی
افزایش یافته و
کمیته‌هایی متشکل از
بازرسان بانک‌ها و
بانک مرکزی مشکل
وام‌ها و دارایی‌های به
کار نیفتاده بانک‌ها را
ارزیابی خواهند کرد.